



فصلنامه علمی مطالعات قدرت نرم



طراحی مدل آینده‌نگر حکمرانی نرم نهادهای مذهبی در مدیریت شکاف‌های قومی ورزش ایران

سیده سمیه سیدلشکر بلوکی^۱، زین العابدین فلاح^۲، اسرا عسکری^۳

چکیده

هدف پژوهش حاضر، آینده‌نگری در حوزه حکمرانی نرم نهادهای مذهبی برای مدیریت شکاف‌های قومی در ورزش ایران و ترسیم سناریوهای محتمل در افق زمانی پیش‌رو است. این پژوهش از نظر هدف، کاربردی-توسعه‌ای و از نظر رویکرد، آمیخته (کیفی-کمی) بوده و با بهره‌گیری از الگوی برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو (مدل کارشناسانه) انجام شده است. در بخش کیفی، داده‌ها از طریق ۱۸ مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با خبرگان مذهبی، مدیران ورزشی، کنشگران محلی و روزنامه‌نگاران تخصصی گردآوری و با روش تحلیل مضمون (براون و کلارک) بررسی گردید. تحلیل کیفی منجر به شناسایی پنج مضمون فراگیر شد که شامل بازآفرینی اعتماد دینی در فضاهای ورزشی چندقومیتی، انتقال اقتدار فرهنگی از نهاد به شبکه‌های محلی، منطق الگوریتمی و رقابت روایی در فضای دیجیتال، حکمرانی نرم تطبیقی و چندلایه و تعادل میان مشارکت جمعی و شکاف‌های هویتی بود. بر این اساس، ۱۵ اصلی پیشران شناسایی و در مرحله کمی با بهره‌گیری از تکنیک دلفی و تحلیل ساختاری در نرم‌افزار میک‌مک ارزیابی شدند. نتایج تحلیل ساختاری نشان داد پنج پیشران قدرت نهادها و پلتفرم‌ها، سرمایه‌سازی نمادین مذهبی در رسانه، پاسخگویی و شفافیت، تولید محتوای بومی و مستقل و مواجهه با الگوریتم‌ها نقش محوری در شکل‌دهی آینده دارند. با تعریف وضعیت‌های دوگانه این پیشران‌ها و ارزیابی سازگاری آن‌ها در پنل خبرگان، چهار سناریوی اصلی استخراج شد: هم‌افزایی هوشمند نهاد-جامعه (مطلوب)، شکاف پلتفرمی و فروپاشی اعتماد (بحرانی)، تنظیم‌گری تدریجی و بومی‌سازی محتوا (نیمه‌مطلوب) و دام توجه هیجانی (پرریسک). یافته‌ها نشان می‌دهد آینده مدیریت شکاف‌های قومی در ورزش ایران به‌طور مستقیم تحت تأثیر تعامل میان حکمرانی مذهبی، منطق پلتفرمی و الگوهای روایت‌گری بومی قرار دارد و تصمیم‌گیری راهبردی در این زمینه، مستلزم توجه هم‌زمان به پیشران‌های ساختاری، فرهنگی و فناورانه است.

واژه‌های کلیدی:

حکمرانی نرم، نهادهای مذهبی، شکاف قومی، ورزش، سناریونویسی، قدرت نرم

۴۵

دوره ۱۶، شماره ۲، پیاپی ۴۵
تابستان ۱۴۰۵

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۴-۰۸-۰۱

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۵-۰۴-۰۳

صص: ۴۵-۱۷

شابا چاپی: ۵۵۸۰-۲۳۲۲

رتبه علمی

ب

بررسی صحت گواهی در:
JOURNALS.MSRT.IR

۱. گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
۲. گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول) zaynalabedinfalah@gmail.com
۳. گروه تربیت بدنی و علوم ورزشی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران



مقدمه و بیان مسأله

امروزه در جوامع اسلامی به‌ویژه کشور ایران، یکی از نهادهای اجتماعی مهم برای پیشبرد و ترویج فرهنگ اسلامی، نهادهای مذهبی می‌باشند. این نهادها در یک جامعه در قالب تشکلهای و مؤسسات دولتی و رسمی و نیز غیردولتی و مردم‌نهاد متبلور می‌شوند (حاجی تبار فیروزجائی، ۱۳۹۸). درعین حال مقاله‌های منتشرشده در سال‌های اخیر به بررسی مدل‌های مختلف نقش نهادهای مذهبی در کاهش اختلافات قومی در زمینه‌های مختلف پرداخته‌اند. برای مثال، الرشید^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مقاله‌ای تحت عنوان "مدیریت مناقشات در مناطق تنش قومی: نقش ورزش در همزیستی و تنوع شهروندی" به بررسی چگونگی استفاده از ورزش برای کاهش تنش‌های قومی و افزایش همزیستی در مناطق آسیب‌دیده پرداخته است. این پژوهش به این نتیجه رسید که نهادهای مذهبی می‌توانند به عنوان تسهیل‌کننده‌هایی در این فرآیند عمل کنند، به‌ویژه هنگامی که ورزش با اصول مذهبی و فرهنگی جامعه هماهنگ باشد. درعین حال روسایانا^۲ و همکاران (۲۰۲۳)، ابراهیم^۳ و همکاران (۲۰۲۳) و سیجام‌هودزیک^۴ و همکاران (۲۰۲۳) نیز نهادهای مذهبی را ازجمله‌های اثرگذار بر فرهنگ صلح و دوستی در جوامع معرفی کردند. درعین حال پیرینا^۵ و همکاران (۲۰۲۵) اظهار کردند که آموزشی مبتنی بر ورزش، به‌ویژه هنگامی که با ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی همراه می‌شوند، می‌توانند موجب تقویت احترام متقابل، همدلی و احساس تعلق اجتماعی در میان گروه‌های قومی متفاوت شوند ساپکوتا و نوپان^۶ (۲۰۲۱) نیز بر ارتباط میان ورزش و تحقق اهداف توسعه پایدار در نپال تأکید دارد و نشان می‌دهد که سازمان‌های ورزش برای توسعه و صلح با فراهم‌سازی فضای گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و بین‌قومی، در تقویت انسجام اجتماعی نقش کلیدی دارند. نوویان^۷ و همکاران (۲۰۲۵) نیز با تمرکز بر انسان‌گرایی و ملی‌گرایی در ورزش، بر اهمیت ارزش‌های مشترک انسانی در وحدت اجتماعی تأکید می‌کنند. بر اساس نتایج آنان، تأکید بر مفاهیمی چون همدلی، احترام و عدالت در محیط‌های ورزشی می‌تواند مرزهای قومی را کمرنگ و حس همبستگی ملی را تقویت کند. جاروی^۸ (۲۰۲۴) با طرح مفهوم قدرت نرم توضیح می‌دهد که ورزش می‌تواند ابزاری برای تأثیرگذاری فرهنگی و اجتماعی باشد. نهادهای مذهبی نیز با برخورداری از قدرت نرم مبتنی بر ارزش‌های دینی، می‌توانند از ورزش به عنوان رسانه‌ای برای گسترش پیام‌های صلح، همدلی و کرامت انسانی استفاده کنند. این نوع از قدرت نرم، ظرفیت تأثیرگذاری پایدار و عمیقی بر روابط قومی در بستر ورزش دارد.

۱ Alrashid

۲ Rusyana

۳ Ibrahim

۴ Sijamhodžić

۵ Pirina

۶ Sapkota & Neupane

۷ Novian

۸ Jarvie



از سویی همبستگی بین ورزش و دین باعث به وجود آمدن بحث‌ها و تحقیقات زیادی در بین دانشمندان علوم اجتماعی شده است. بسیاری از آن‌ها نظریه‌هایی را در مورد شباهت‌های عملکردی بین ورزش و دین و ویژگی‌های برجسته دینی - ورزشی مطرح کرده‌اند (گوهررستمی و همکاران، ۱۴۰۱). در این میان ورزش و سیاست به هم پیوند خورده و ورزش از طریق کم‌رنگ کردن گرایش -های قومی، زبانی، دینی، نژادی و مذهبی یکی از روش‌های موثر جهت ارتقا وحدت ملی است. ورزش مردمی‌ترین نهاد اجتماعی است که همه مردم با آن ارتباط دارند و اوقاتی از زندگی خود را به عنوان اوقات فراغت در ورزش صرف می‌کنند، لذا ورزش آن قدرت را دارد که در میان توده‌ها جایی پیدا کند و از این طریق عمیق‌ترین ارتباطات را با مردم برقرار سازد (ممبینی کشه و همکاران، ۱۳۹۲). اساساً ورزش در سطح ملی می‌تواند یکپارچگی، هویت ملی و پشتیبانی از ارزش‌های مسلط را افزایش داده و آرمان‌ها و ریشه‌های مشترک را متمرکز سازد (مرعشیان و همکاران، ۱۳۹۸). درعین حال روکوود^۱ و همکاران (۲۰۲۳) نیز در تحلیل خود در مورد "ورزش، صلح‌سازی و مدیریت مناقشات" بر اهمیت تعامل نهادهای مذهبی با برنامه‌های توسعه و صلح تأکید کرده است. این تحقیق مدل‌هایی را ارائه داده است که چگونه نهادهای مذهبی می‌توانند با همکاری با نهادهای ورزشی به ایجاد محیط‌های مثبت و کاهش تنش‌های قومی کمک کنند.

از طرفی؛ گروه‌های قومی از جمله مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی در جوامع، به‌خصوص جوامع چند قومیتی می‌باشند که مناسبات میان آن‌ها، می‌تواند بر سرنوشت این جوامع نقش و تأثیر قابل توجهی بگذارد. از آنجاکه هر گروه اجتماعی برای بقای خود نیازها و خواست‌های متفاوت و متعددی دارد؛ برنامه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جوامع به چگونگی تأمین این نیازها و خواست‌ها بستگی دارد. در دنیای امروز هیچ گروهی به‌تنهایی قادر نیست این نیازها و خواسته‌هایش را خودش تأمین کند. پس به‌ناچار برای تأمین آن‌ها باید با سایر گروه‌های انسانی و اجتماعی موجود در درون جامعه و حتی خارج جامعه خویش ارتباط برقرار نماید. تلاش متقابل گروه‌های اجتماعی در جهت تأمین نیازهایشان منجر به شکل‌گیری تعامل اجتماعی میان این گروه‌ها می‌گردد. شرایط و عوامل بسیاری بر شیوه و نوع تعامل اجتماعی میان این گروه‌های اجتماعی تأثیر گذارند. اندیشمندان و محققانی که بر مطالعه این موضوع پرداخته‌اند، از دو بعد به بررسی و مطالعه پرداخته‌اند. یک سری از مطالعات انجام‌شده بر عوامل موثر بر شکل‌گیری تعامل متمرکز شده و هرکدام یک یا چند عامل را به مذاقه گذاشته‌اند. دسته دوم بر گونه شناسی تعامل توجه نموده و بر اساس روش برقراری تعامل اجتماعی، گونه‌های متفاوتی را برشمرده‌اند. این تعدد و تنوع مباحث به‌شدت تحت تأثیر رویکردهای پژوهشی و نظری محققان بوده است. در کشورهای جهان سوم، از جمله عوامل مهم تعارضات اجتماعی و سیاسی شکاف‌ها و تفاوت‌های قومی، زبانی و مذهبی هستند. درگیری‌ها و ستیزهای قومی در بسترها و وضعیت‌های گوناگونی شکل می‌گیرند و انواع متفاوتی دارند. بی‌گمان باید قومیت را از جنبه‌های مختلف، یکی از برجسته‌ترین مسائل جهان در اواخر سده بیستم و یکم به شمار آورد. منابع آماری مختلف نشان می‌دهند بیش از ۸۰ درصد کشورهای عضو سازمان ملل متحد، تنوع و تکثر قومی دارند و بیش از دو یا چند اجتماع قومی را در برمی‌گیرند. این جوامع همواره به‌صورت مسالمت‌آمیز یا خشونت‌بار، برای این امور با یکدیگر رقابت می‌کنند:

^۱ Rookwood



سیطره‌یافتن، کسب استقلال و خودمختاری یا ادغام در جامعه برای دستیابی به موقعیت بهتر (گل‌محمدی، ۱۳۹۲: ۱۶۲). خشونت و نزاع از جمله موضوعاتی است که در فرهنگ بعضی از اقوام، شاخص قدرت یا دفاع از منزلت اجتماعی و فرهنگی و حیثیت خانوادگی محسوب می‌شود (پورافکاری، ۱۳۸۳: ۳).

مطالعات اخیر نشان داده‌اند که نهادهای مذهبی با ارائه چارچوب‌های اخلاقی و فرهنگی که با ارزش‌های ورزشی هماهنگ است، می‌توانند به ایجاد اعتماد و تفاهم متقابل میان گروه‌های قومی مختلف کمک کنند. همچنین، این نهادها می‌توانند با سازماندهی رویدادهای ورزشی و تعاملات اجتماعی، فرصت‌های جدیدی برای گفت‌وگو و همکاری فراهم آورند که در کاهش اختلافات قومی مؤثر است (گولیانونتی^۱، ۲۰۲۰). درعین حال نهادهای مذهبی در جوامع اسلامی همواره از جایگاهی ویژه در هدایت افکار عمومی، شکل‌دهی به ارزش‌ها و تقویت انسجام اجتماعی برخوردار بوده‌اند. بااین‌حال، نقش این نهادها در حکمرانی نرم ورزش، به‌ویژه در زمینه مدیریت شکاف‌های قومی، کمتر مورد توجه سیاست‌گذاران و پژوهشگران قرار گرفته است. حکمرانی نرم در این زمینه به معنای بهره‌گیری از ابزارهای غیر الزام‌آور همچون آموزش فرهنگی، گفت‌وگو، اقناع اجتماعی و رسانه‌سازی ارزش‌ها برای تأثیرگذاری بر رفتار گروه‌ها و تقویت همدلی میان آنان است (البیریکی^۲ و همکاران، ۲۰۲۵). چنین رویکردی بر پایه مشروعیت اخلاقی و فرهنگی شکل می‌گیرد و با استفاده از قدرت نرم نهادهای مذهبی، می‌تواند مسیرهای تازه‌ای برای تحقق عدالت، وحدت و همزیستی در ورزش بگشاید. حکمرانی نرم مفهومی نوین در ادبیات مدیریت و علوم سیاسی است که به استفاده از ابزارهای غیر الزام‌آور و غیرقهرآمیز برای هدایت، اقناع و هماهنگی میان کنشگران اجتماعی اشاره دارد. در مقابل با حکمرانی سخت که مبتنی بر قوانین، اجبار و کنترل مستقیم است، حکمرانی نرم بر نفوذ فرهنگی، ارتباطات اجتماعی، مشروعیت اخلاقی و قدرت اقناعی تکیه دارد. به بیان دیگر، حکمرانی نرم فرآیندی است که در آن نهادهای رسمی و غیررسمی، با استفاده از سازوکارهای فرهنگی، آموزشی، رسانه‌ای و ارزشی، رفتارها و نگرش‌های جمعی را در جهت اهداف کلان جامعه سامان می‌دهند (سایدا^۳ و همکاران، ۲۰۲۳).

از دیدگاه نظری، این مفهوم ریشه در نظریه‌ی قدرت نرم جوزف نای^۴ (۲۰۰۴) دارد که قدرت را نه در توان نظامی و اقتصادی، بلکه در جذب، الهام‌بخشی و تأثیرگذاری فرهنگی می‌بیند. در این چارچوب، حکمرانی نرم در سطح کلان به معنای ایجاد شبکه‌ای از روابط اعتماد، همدلی و همکاری میان نهادهای اجتماعی است که بدون اجبار بیرونی، موجب همگرایی و ثبات در نظام اجتماعی می‌شود. درعین حال نورد هولم^۵ و همکاران (۲۰۲۴) نشان می‌دهند که در سطح ملی، به‌کارگیری ایده‌های بزرگ و سیاست‌های نرم می‌تواند به بهبود سیستم‌های آموزشی کمک کند، به شرطی که تمرکز بر ایجاد اجماع و حمایت سازمانی باشد، نه اعمال فشار

۱ Giulianotti

۲ Al Breiki

۳ Saaida

۴ Nye

۵ Nordholm



سخت‌گیرانه یا دستوری. در همین راستا، ایوا^۱ (۲۰۲۴) حکمرانی آموزشی در اتحادیه اروپا را از منظر قدرت نرم و فرآیندهای اجتماعی موردبررسی قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که ابزارهای نرم مانند توصیه‌ها و چارچوب‌های راهنمای سیاستی، به جای تحمیل مقررات، نقش محوری در جهت‌دهی به کشورها دارند. پژوهش‌های البریکی^۲ و همکاران (۲۰۲۵) و تیمیلسانا^۳ و همکاران (۲۰۲۴) اهمیت رسانه و ارتباطات در تقویت قدرت نرم و دیپلماسی عمومی را مورد تأکید قرار می‌دهند، البریکی به نقش رسانه در تعدیل اثرگذاری استراتژی‌های قدرت نرم می‌پردازد، درحالی‌که تیمیلسانا بحث نظری گسترده‌ای درباره قدرت نرم در کشورهای کوچک ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که ابزارهای غیرسختگیرانه می‌توانند نقش تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌گذاری ایفا کنند، حتی در غیاب قدرت اقتصادی یا نظامی قوی.

بالین‌حال، ورزش به عنوان عرصه‌ای اجتماعی می‌تواند بازتاب‌دهنده اختلافات قومی باشد و فقدان سازوکارهای نرم منجر به تنش و نابرابری در دسترسی به امکانات ورزشی می‌شود. نهادهای مذهبی با سرمایه اجتماعی و نفوذ فرهنگی بالای خود، ظرفیت ایجاد همگرایی و تعامل میان اقوام مختلف را دارند و حکمرانی نرم امکان تدوین سیاست‌های منعطف و آینده‌نگر را فراهم می‌کند که با پیچیدگی‌های اجتماعی و فرهنگی سازگار باشد. این رویکرد نه تنها پذیرش اجتماعی بالاتری دارد، بلکه به کاهش شکاف‌های قومی، ارتقای عدالت اجتماعی و توسعه پایدار ورزش کمک می‌کند، اما هنوز در ادبیات علمی، خلاهای زیادی در زمینه بررسی دقیق نقش نهادهای مذهبی در ورزش و تأثیر آن بر کاهش اختلافات قومی وجود دارد. اکثر مطالعات موجود به‌طور عمده بر تأثیرات کلی ورزش در صلح‌سازی تمرکز داشته‌اند و کمتر به بررسی خاص تأثیر نهادهای مذهبی پرداخته‌اند. همچنین، محدودیت‌های موجود در زمینه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم این نهادها بر ورزش و اختلافات قومی نیازمند تحقیق و بررسی‌های بیشتر است، لذا هدف از پژوهش حاضر طراحی مدل آینده‌نگر حکمرانی نرم نهادهای مذهبی در مدیریت شکاف‌های قومی ورزش ایران می‌باشد.

چارچوب نظری

چارچوب نظری پژوهش حاضر با هدف طراحی مدل آینده‌نگر حکمرانی نرم نهادهای مذهبی در مدیریت شکاف‌های قومی ورزش ایران، بر تلفیقی نظام‌مند از سه رکن نظری اصلی استوار است: (۱) نظریه قدرت نرم و حکمرانی نرم، (۲) نظریه‌های تعامل اجتماعی و همزیستی قومی، و (۳) نظریه‌های کارکردی ورزش و دین. در سطح کلان، پژوهش با پذیرش ماهیت برساختی، پویا و چندلایه واقعیت اجتماعی در حوزه تعاملات قومی و دینی، بر روش ترکیبی (کیفی-کمی) برای دستیابی به مدلی بومی و کارآمد تأکید دارد. رکن نخست، مبتنی بر نظریه قدرت نرم جوزف نای و بسط آن در مفهوم حکمرانی نرم است که بهره‌گیری از ابزارهای غیرالزام‌آور همچون اقناع فرهنگی، گفت‌وگو و رسانه‌سازی ارزشی را برای تأثیرگذاری بر رفتار گروه‌های اجتماعی ممکن می‌سازد.

^۱ Eeva

^۲ Al Breiki

^۳ Timilsana



(صاعدی، ۱۴۰۲؛ دوشی و اشमित، ۲۰۲۴). نهادهای مذهبی در ایران با سرمایه نمادین و اعتماد عمومی انباشته، ظرفیت بالایی برای اعمال این نوع قدرت در عرصه ورزش دارند و پژوهش‌هایی نظیر کار جاروی (۲۰۲۴) و البریکی (۲۰۲۵) نیز بر نقش رسانه و ارتباطات در تقویت قدرت نرم و دیپلماسی عمومی تأکید دارند. رکن دوم بر این پیش‌فرض استوار است که تعامل قومی در طیفی از همکاری تا رقابت شکل می‌گیرد (گلشن و همکاران، ۱۳۹۷) و نهادهای مذهبی به‌عنوان نهادهای میانجی با ایجاد سرمایه اجتماعی، تقویت اعتماد میان‌گروهی و تسهیل گفت‌وگوهای بین‌فرهنگی، می‌توانند تعاملات تنش‌زا را به همکاری صلح‌آمیز تبدیل کنند (حاجی‌تبار، ۱۳۹۸؛ جمالی، ۱۴۰۲). رکن سوم نیز بر شباهت‌های کارکردی ورزش و دین در ایجاد تجربه‌های جمعی، انتقال ارزش‌ها و تقویت همبستگی گروهی تأکید دارد (گوهررستمی و همکاران، ۱۴۰۱) و نشان می‌دهد که در جوامع اسلامی مانند ایران، پیوند این دو نهاد از طریق مساجد، هیئت‌های مذهبی و مؤسسات دینی، بستری ثمربخش برای مدیریت اختلافات قومی فراهم می‌آورد (مرعشیان و همکاران، ۱۳۹۸؛ میریوسفی و سلاجقه، ۱۳۹۷). پژوهش‌های بین‌المللی نیز این پیوند را تأیید کرده‌اند؛ به‌طوری که روسایانا و همکاران (۲۰۲۳)، ابراهیم و همکاران (۲۰۲۳) و سیجامه‌ودزیچ (۲۰۲۳) نهادهای مذهبی را از جمله عوامل اثرگذار بر فرهنگ صلح و دوستی در جوامع معرفی کرده‌اند. همچنین الرشید و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی نقش ورزش در کاهش تنش‌های قومی و افزایش همزیستی پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که نهادهای مذهبی می‌توانند به عنوان تسهیل‌کننده در این فرآیند عمل کنند، به‌ویژه هنگامی که ورزش با اصول مذهبی و فرهنگی جامعه هماهنگ باشد. نوویان و همکاران (۲۰۲۵) نیز با تمرکز بر انسان‌گرایی و ملی‌گرایی در ورزش، بر اهمیت ارزش‌های مشترک انسانی در وحدت اجتماعی تأکید کرده و نشان داده‌اند که تأکید بر مفاهیمی چون همدلی، احترام و عدالت در محیط‌های ورزشی می‌تواند مرزهای قومی را کمرنگ و حس همبستگی ملی را تقویت کند. پیرینا و همکاران (۲۰۲۵) نیز اظهار کرده‌اند که آموزش مبتنی بر ورزش، به‌ویژه هنگامی که با ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی همراه شود، می‌تواند موجب تقویت احترام متقابل، همدلی و احساس تعلق اجتماعی در میان گروه‌های قومی متفاوت گردد. ساپکوتا و نوپان (۲۰۲۱) بر ارتباط میان ورزش و تحقق اهداف توسعه پایدار در نپال تأکید داشته و نشان داده‌اند که سازمان‌های ورزشی با فراهم‌سازی فضای گفت‌وگوی بین‌فرهنگی و بین‌قومی، در تقویت انسجام اجتماعی نقش کلیدی دارند. افزون بر این، رویکرد آینده‌نگاری و سناریوسازی، امکان انطباق مدل با تحولات سریع اجتماعی-فرهنگی را مهیا می‌سازد. مفاهیم کلیدی چارچوب شامل «شکاف قومی»، «حکمرانی نرم»، «نهاد مذهبی»، «ورزش»، «سرمایه اجتماعی» و «گفت‌وگوی بین‌فرهنگی» هستند که روابط میان آنها بر اساس مبانی نظری و شواهد تجربی ترسیم می‌شود (جولیانوتی، ۲۰۱۱؛ روکوود، ۲۰۲۳؛ جونز و اسمیت، ۲۰۲۱؛ خان و علی، ۲۰۲۳؛ اسمیت، ۲۰۲۳). این چارچوب با تأکید بر بومی‌گرایی و توجه به ویژگی‌های منحصربه‌فرد ایران، تلاش دارد مدلی اصیل، عملیاتی و چندبعدی ارائه دهد که هم از اعتبار نظری برخوردار باشد و هم قابلیت اجرا توسط سیاست‌گذاران و متولیان فرهنگی-مذهبی کشور داشته باشد.

روشن‌شناسی



پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی- توسعه‌ای و از نظر رویکرد، آمیخته (کیفی- کمی) است. چارچوب کلی پژوهش بر الگوی برنامه‌ریزی مبتنی بر سناریو (مدل کارشناسانه) استوار است تا تصویری چندبعدی و باورپذیر از آینده حکمرانی نرم نهادهای مذهبی در مدیریت شکاف‌های قومی در ورزش ایران ترسیم شود.

در مرحله نخست، داده‌های کیفی از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته گردآوری و با روش تحلیل مضمون برای شناسایی پیشران‌ها، نیروهای محرک تغییر و عدم قطعیت‌های کلیدی در حوزه تعامل دین و قومیت در ورزش تحلیل شد. در مرحله دوم، داده‌های کمی حاصل از امتیازدهی خبرگان در پرسش‌نامه‌های دلفی و ماتریس اثرات متقاطع، وارد فرایند تحلیل ساختاری و سناریونویسی گردید. این فرایند با شناسایی و پالایش عوامل پیشران آغاز شده، از طریق تحلیل اثرات متقاطع و تحلیل ساختاری، به تعریف وضعیت‌های دوگانه‌ی عوامل بحرانی و استخراج سناریوهای سازگار انجامید. در این رویکرد، سناریوها توصیف‌های منسجم و قابل‌باوری از وضعیت‌های آینده به شمار می‌روند که با اتکای مستقیم بر قضاوت خبرگان و روندهای کنونی بازسازی می‌شوند.

جامعه پژوهش شامل سه طیف اصلی از کنشگران و ذی‌نفعان زیست‌بوم مذهبی- قومیتی ورزش ایران بود:

- الف) خبرگان سیاست‌گذاری فرهنگی، ورزشی و دینی با سابقه علمی یا اجرایی حداقل پنج سال در سطوح ملی یا استانی؛
- ب) نمایندگان نهادهای مذهبی و دینی فعال در محیط‌های ورزشی (امامان جمعه و جماعات، مسئولان هیئت‌ها، روحانیون بانفوذ محلی) با نقش فرهنگی یا اجتماعی مشخص در مناطق چندقومیتی؛
- ج) مدیران سازمان‌های ورزشی، روابط و کارشناسان حوزه انسجام قومی در فدراسیون‌ها، باشگاه‌ها و ادارات کل ورزش و جوانان.

نمونه‌گیری به روش هدفمند- گلوله‌برفی انجام گرفت تا ضمن آغاز با خبرگان شاخص، تنوع دیدگاه‌ها و تجارب تضمین شود. حجم نمونه در هر دو مرحله (مصاحبه و دلفی) برابر با ۱۸ نفر تعیین شد و یکسان بودن ترکیب نمونه در مراحل مختلف برای حفظ انسجام قضاوت‌ها و تداوم تحلیلی رعایت گردید. ملاک‌های ورود شامل: تجربه حرفه‌ای مرتبط، سابقه مشارکت یا پژوهش در زمینه مسائل قومی- مذهبی ورزش، آشنایی با بسترهای فرهنگی ورزش در مناطق چندقومیتی و دسترس‌پذیری برای مشارکت در مراحل مختلف پژوهش بود.

ابزارهای گردآوری داده به تفکیک هر مرحله عبارت بودند از:

راهنمای مصاحبه نیمه‌ساختاریافته شامل محورهای نقش نهادهای مذهبی در انسجام قومی، مکانیزم‌های نفوذ نرم مذهبی، تعامل دین و قومیت در محیط‌های ورزشی، پیشران‌ها و بازدارنده‌های کلیدی و پیامدهای محتمل در افق آینده. پرسش‌ها به صورت کیفی طراحی شدند تا ابتدا روایت تجربی و سپس قضاوت تحلیلی مشارکت‌کننده اخذ شود.

دستورالعمل کدگذاری و کتابچه کد شامل تعاریف عملیاتی، نمونه نقل قول، قواعد ادغام و تفکیک کدها و معیارهای اجماع کدگذاران.

پرسش‌نامه دلفی (دور اول): شامل فهرست پیشران‌های استخراج‌شده از تحلیل مضمون، با دو مقیاس ۱۰ درجه‌ای برای اهمیت و عدم قطعیت هر عامل. برای هر عامل یک تعریف روشن و مثال میدانی درج شد تا هم‌فهمی میان خبرگان افزایش یابد.

فرم اثرات متقاطع میک‌مک: ماتریس 10×10 با مقیاس شدت اثر ۰ تا ۳ (۰=بی‌اثر، ۱=کم، ۲=متوسط، ۳=زیاد) برای برآورد اثرگذاری مستقیم هر پیشران بر سایر پیشران‌های برگزیده.

برگه تعریف وضعیت‌های دوگانه برای سناریونویسی: هر پیشران محوری دارای دو وضعیت سبز (آینده مطلوب) و قرمز (آینده بحرانی) تعریف شد تا امکان ارزیابی سازگاری ترکیب وضعیت‌ها در پنل خبرگی فراهم گردد.

ابتدا مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ نفر انجام و فایل‌های صوتی ضبط و آوانویسی شدند. آوانویس‌ها برای اطمینان از صحت برداشت‌ها به مشارکت‌کنندگان بازگردانده شد. تحلیل مضمون در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و تلفیقی انجام گرفت و مضامین سازمان‌دهنده و فراگیر مشخص شدند.

در مرحله کمی، همان خبرگان در دلفی دور اول به هر پیشران از دو بعد اهمیت و عدم قطعیت امتیاز دادند. آستانه ورود به تحلیل ساختاری، جمع امتیاز ≤ 15 تعیین شد. پس از پالایش، فرم میک‌مک برای عوامل منتخب تکمیل و نقشه نفوذ-وابستگی ترسیم گردید. بر اساس جمع ردیفی و ستونی ماتریس و تحلیل اثرات غیرمستقیم، عوامل در چهار دسته علی، وابسته، دوجهی و میانی طبقه‌بندی شدند.

در مرحله نهایی، پنج پیشران محوری با بیشترین اهمیت و عدم قطعیت یا جایگاه ساختاری کلیدی انتخاب و وضعیت‌های دوگانه‌شان تعریف شد. با ارزیابی سازگاری ترکیب وضعیت‌ها در پنل خبرگی، سناریوهای نهایی آینده حکمرانی نرم نهادهای مذهبی در مدیریت شکاف‌های قومی ورزش ایران استخراج گردید.

تحلیل کیفی: تحلیل مضمون با دو کدگذار مستقل انجام و میزان توافق با ضریب کاپا سنجیده شد؛ مقادیر بالاتر از 0.7 قابل قبول تلقی گردید.

روش دلفی: امتیازدهی در دو بعد اهمیت و عدم قطعیت و محاسبه شاخص‌های مرکزی و پراکندگی (میان، دامنه چارکی) برای ارزیابی همگرایی قضاوت‌ها. در صورت نیاز بازخورد نتایج دور اول ارائه و اصلاح نظرها اخذ شد.

تحلیل ساختاری (میک‌مک): تکمیل ماتریس اثرات متقاطع و طبقه‌بندی عوامل در نقشه نفوذ-وابستگی.

آماده‌سازی فضای سناریویی: تعریف وضعیت‌های دوگانه و استخراج سناریوهای سازگار با استفاده از قضاوت گروهی خبرگان. روایی محتوایی از طریق قضاوت خبرگان نسبت به تعاریف عملیاتی و پوشش ابعاد سنجیده شد. پایایی تحلیل مضمون با توافق میان کدگذاران (کاپا ≤ 0.7) و بازبینی مشارکت‌کنندگان تضمین گردید. پایداری نتایج دلفی با بازخورد نظرات و همگرایی آماری بررسی شد. در تحلیل ساختاری، میزان پرشدگی ماتریس و ثبات دسته‌بندی عوامل بین نتایج مستقیم و غیرمستقیم کنترل شد. مثلث‌سازی میان داده‌های کیفی، قضاوت جمعی و محاسبات ساختاری، انسجام نهایی یافته‌ها را تقویت کرد.



یافته‌های پژوهش

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان

کد مصاحبه‌شونده	جنسیت	سن (سال)	مدرک تحصیلی	سابقه فعالیت (سال)	گروه جامعه پژوهشی	استان محل فعالیت
P1	مرد	۴۷	دکتری مدیریت ورزشی	۲۰	سیاست‌گذار فرهنگی - ورزشی	تهران
P2	مرد	۵۱	کارشناسی ارشد علوم سیاسی	۲۵	نهاد مذهبی	آذربایجان غربی
P3	زن	۴۲	کارشناسی ارشد ارتباطات	۱۵	مدیر رسانه‌ای ورزشی	تهران
P4	مرد	۴۵	دکتری جامعه‌شناسی	۱۸	سیاست‌گذار فرهنگی - ورزشی	خوزستان
P5	مرد	۳۸	کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث	۱۲	نهاد مذهبی	کردستان
P6	مرد	۴۴	دکتری مدیریت استراتژیک	۱۹	سیاست‌گذار فرهنگی - ورزشی	سیستان و بلوچستان



P7	زن	۳۵	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی ورزش	۱۰	مدیر/کارشناس ورزشی	تهران
P8	مرد	۴۸	دکتری علوم ارتباطات	۲۰	سیاست‌گذار فرهنگی - رسانه‌ای	قم
P9	مرد	۴۰	کارشناسی ارشد معارف اسلامی	۱۴	نهاد مذهبی	خوزستان
P10	مرد	۵۲	دکتری مدیریت فرهنگی	۲۵	سیاست‌گذار فرهنگی - ورزشی	تهران
P11	مرد	۳۹	کارشناسی ارشد ارتباطات	۱۳	مدیر رسانه‌ای ورزشی	آذربایجان شرقی
P12	زن	۴۱	کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی	۱۱	مدیر/کارشناس رسانه	تهران
P13	مرد	۴۹	دکتری علوم سیاسی	۲۲	نهاد مذهبی	فارس
P14	مرد	۳۷	کارشناسی ارشد مدیریت ورزشی	۱۲	مدیر ورزشی	کردستان
P15	مرد	۴۳	دکتری آینده‌پژوهی فرهنگی	۱۷	سیاست‌گذار فرهنگی - آینده‌پژوه	تهران
P16	مرد	۴۶	کارشناسی ارشد الهیات	۲۰	نهاد مذهبی	خراسان شمالی
P17	زن	۳۴	کارشناسی ارشد	۹	مدیر/کارشناس رسانه	گیلان



			مدیریت رسانه			
P18	مرد	۵۰	دکتری مدیریت ورزشی	۲۳	سیاست گذار فرهنگی - ورزشی	تهران

داده‌های کیفی حاصل از ۱۸ مصاحبه نیمه ساختاریافته با خبرگان سیاست گذاری فرهنگی - ورزشی، نمایندگان نهادهای مذهبی، مدیران ورزشی و کارشناسان حوزه انسجام قومی، با روش تحلیل مضمون براون و کلارک مورد بررسی قرار گرفت. هدف از این مرحله، شناسایی الگوهای معنایی و راهبردی مرتبط با نقش حکمرانی نرم نهادهای مذهبی در مدیریت شکاف‌های قومی در ورزش ایران بود. فرایند تحلیل شامل چند مرحله کدگذاری باز، محوری و تلفیقی بود که در نهایت به استخراج مضامین پایه، سازمان‌دهنده و فراگیر انجامید. در مرحله نخست، واحدهای معنایی مرتبط با تجربه‌ها، قضاوت‌ها و روایت‌های مشارکت‌کنندگان شناسایی و کدگذاری باز شدند. سپس کدهای مشابه در قالب مضامین پایه ادغام گردیدند و مضامین سازمان‌دهنده شکل گرفتند. در نهایت، این مضامین سازمان‌دهنده ذیل پنج مضمون فراگیر (محور راهبردی کلان) دسته‌بندی شدند که بیانگر الگوهای راهبردی در حکمرانی نرم مذهبی برای مواجهه با شکاف‌های قومی ورزشی هستند. جداول زیر ساختار کامل مضامین استخراج شده را نشان می‌دهد.

مضمون فراگیر ۱: بازآفرینی اعتماد دینی در فضاها و ورزشی چندقومیتی

این مضمون نشان می‌دهد که بازسازی اعتماد در جوامع ورزشی چندقومیتی، از مسیر ارتباطات انسانی، مشارکت اجتماعی و تداوم حافظه جمعی مذهبی شکل می‌گیرد.

جدول ۲. مضامین سازمان‌دهنده و پایه مضمون فراگیر ۱

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کد مصاحبه‌شوندگان
ارتباط چهره به چهره و معنوی	ایجاد حلقه‌های گفت‌وگوی دینی در فضاها و ورزشی	P2, P5, P9, P13
	حضور معنادار روحانیون در رویدادهای ورزشی	P1, P4, P6
	بازنمایی الگوهای اخلاقی مشترک در مسابقات	P3, P7, P10, P14, P16
	استفاده از زبان‌های قومی برای ارتباط مذهبی مؤثر	P2, P5, P8
مشارکت اجتماعی و مذهبی	راه‌اندازی برنامه‌های مشترک مذهبی - ورزشی	P3, P6, P12, P15



P1, P4, P9	حمایت نهادهای مذهبی از باشگاه‌های بومی	
P2, P7, P11, P13	تقویت گروه‌های داوطلب دینی در باشگاه‌ها	
P3, P5, P8	پرورش اعتماد میان گروه‌های قومی از طریق مناسک	
P1, P5, P8, P13	ثبت تجربه‌های دینی مشترک در تاریخ شفاهی ورزش	حافظه جمعی و روایت‌سازی
P2, P4, P9	استفاده از مناسبت‌های مذهبی برای گفت‌وگوی قومی	
P3, P7, P10, P14	ساخت روایت‌های اعتمادساز محلی	
P6, P11, P16	تقویت رسانه‌های مذهبی بومی	

مضمون فراگیر ۲: انتقال اقتدار فرهنگی از نهاد به شبکه‌های محلی

این مضمون به بازآرایی قدرت معنابخشی از نهادهای رسمی به کنشگران محلی و شبکه‌های اجتماعی اشاره دارد که به تدریج روایت دینی و قومی را بازتعریف می‌کنند.

جدول ۳. مضامین سازمان‌دهنده و پایه مضمون فراگیر ۲

کد صاحب‌ه‌شوندگان	مضمون پایه	مضمون سازمان‌دهنده
P3, P5, P7	روایت‌گری دینی با زبان قومی	تولید محتوای بومی و مستقل
P2, P4, P8, P12	شکل‌گیری رسانه‌های محلی مذهبی مستقل	
P1, P6, P10	بازتفسیر مناسک دینی برای نسل جوان	
P3, P9, P14, P16	استفاده از ورزشکاران محبوب قومی برای انتقال پیام	
P2, P5, P8, P13	واگذاری بخشی از روایت‌گری به شبکه‌های داوطلب	بازتعریف نقش نهادهای مذهبی
P3, P7, P11, P14	مشارکت نهادهای مذهبی در تولید محتوای مشترک	
P1, P6, P10	پذیرش نقد و بازخورد مخاطبان قومی	
P4, P7, P12, P15	استفاده از جلسات بین‌نهادی برای هماهنگی روایی	



P2, P5, P9	حمایت معنوی از فعالان اجتماعی قومی	تقویت کنشگران محلی
P3, P7, P12	تربیت مبلغان محلی ورزشی- مذهبی	
P1, P6, P10, P13	شبکه‌سازی میان هیئت‌های مذهبی و باشگاه‌ها	
P4, P8, P11, P14, P16	فراهم‌سازی بستر حقوقی برای فعالیت‌های بومی	

مضمون فراگیر ۳: منطق الگوریتمی و میدان رقابت روایی در فضای دیجیتال

این مضمون به چگونگی شکل‌گیری قدرت روایت‌سازی در محیط‌های دیجیتال و سازگاری نهادهای مذهبی با منطق اقتصاد توجه و الگوریتم‌های پلتفرمی می‌پردازد.

جدول ۴: مضامین سازمان‌دهنده و پایه مضمون فراگیر ۳

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کد مصاحبه‌شوندگان
سرمایه‌سازی نمادین مذهبی در رسانه	استفاده از عناصر هیجانی برای افزایش دیده‌شدن	P2, P6, P14
	استمرار تولید محتوای مذهبی برای حفظ مخاطب	P3, P5, P8, P12
	بهره‌گیری از چهره‌های محلی محبوب	P1, P7, P10
	خلق کمپین‌های مناسبتی چندقومیتی	P2, P4, P9, P13, P16
مواجهه با الگوریتم‌ها	احساس تبعیض پلتفرم‌ها نسبت به پیام‌های مذهبی	P4, P6, P9
	تغییر تاکتیک انتشار برای دور زدن محدودیت‌ها	P3, P8, P11, P15
	استفاده از هشتک‌های بومی و زبانی برای افزایش نفوذ	P1, P5, P7, P12
	تحلیل بازخورد الگوریتمی برای اصلاح محتوا	P2, P6, P10, P14
کوتاه‌شدن چرخه‌های معنا	فراموشی سریع پیام‌های دینی در انبوه محتوا	P1, P4, P7, P15
	رقابت شدید برای جلب توجه گروه‌های قومی	P2, P5, P9



P3, P6, P10, P12	تمرکز بر رویدادهای مناسبی با پتانسیل وایرال	
P2, P7, P11, P14, P16	دشواری انتقال پیام‌های عمیق در قالب‌های کوتاه	

مان‌دهنده		شوندگان
نمادین مذهبی در رسانه	اصر هیجانی برای افزایش دیده‌شدن	P2
	محتوای مذهبی برای حفظ مخاطب	P3, P5
	چهره‌های محلی محبوب	P1
	نمای مناسبی چندقومیتی	P2, P4, P9,
توریت‌ها	ض پلتفرم‌ها نسبت به پیام‌های مذهبی	P
	انتشار برای دور زدن محدودیت‌ها	P3, P8,
	نتیج‌های بومی و زبانی برای افزایش نفوذ	P1, P5
	رد الگوریتمی برای اصلاح محتوا	P2, P6,
برخه‌های معنا	یع پیام‌های دینی در انبوه محتوا	P1, P4
	برای جلب توجه گروه‌های قومی	P
	بدادهای مناسبی با پتانسیل وایرال	P3, P6,
	ل پیام‌های عمیق در قالب‌های کوتاه	P2, P7, P11,

مضمون فراگیر ۴: حکمرانی نرم تطبیقی و چندلایه

این مضمون نشان می‌دهد که حکمرانی نرم موفق، نیازمند سازوکارهایی انعطاف‌پذیر و چندسطحی است که بین نهادهای مذهبی، ورزشی و رسانه‌ای پیوند برقرار کند.

جدول ۵. مضامین سازمان‌دهنده و پایه مضمون فراگیر ۴

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کد مصاحبه‌شوندگان
پاسخگویی و شفافیت	نبود سازوکار شفاف برای تصحیح روایت‌ها	P2, P5, P8



P3, P7, P11, P15	ضعف نهادهای داوری معتبر در فضاهای قومی-دینی	
P4, P6, P10	ناتوانی در مدیریت خطاهای رسانه‌ای مذهبی	
P1, P5, P9, P13	فاصله میان بازخورد مردمی و پاسخ نهادی	
P3, P7, P10, P13	نفوذ سیاست‌های رسانه‌ای خارجی	قدرت نهادها و پلتفرم‌ها
P2, P5, P9	نبود هماهنگی میان نهادهای مذهبی و ورزشی	
P4, P6, P8, P14, P16	قدرت حذف/برجسته‌سازی سلیقه‌ای محتوا توسط پلتفرم‌ها	
P1, P5, P10	ایجاد حلقه‌های ارتباطی میان سطوح ملی و محلی	پیوند سطوح حکمرانی
P2, P6, P9, P13	استفاده از روحانیون محلی برای ترجمه سیاست‌ها	
P3, P7, P12, P15	تشکیل شوراهای هماهنگی مذهبی-قومیتی	
P4, P8, P11	حمایت ساختاری از گفت‌وگوهای چندسطحی	

مضمون فراگیر ۵: تعادل میان مشارکت جمعی و شکاف‌های هویتی

این مضمون دوگانگی بنیادین را نشان می‌دهد: گفت‌وگوهای دینی-قومیتی می‌توانند هم زمینه‌ساز انسجام باشند و هم منشأ قطبی‌سازی جدید؛ بسته به نحوه مدیریت نرم این فرایند.

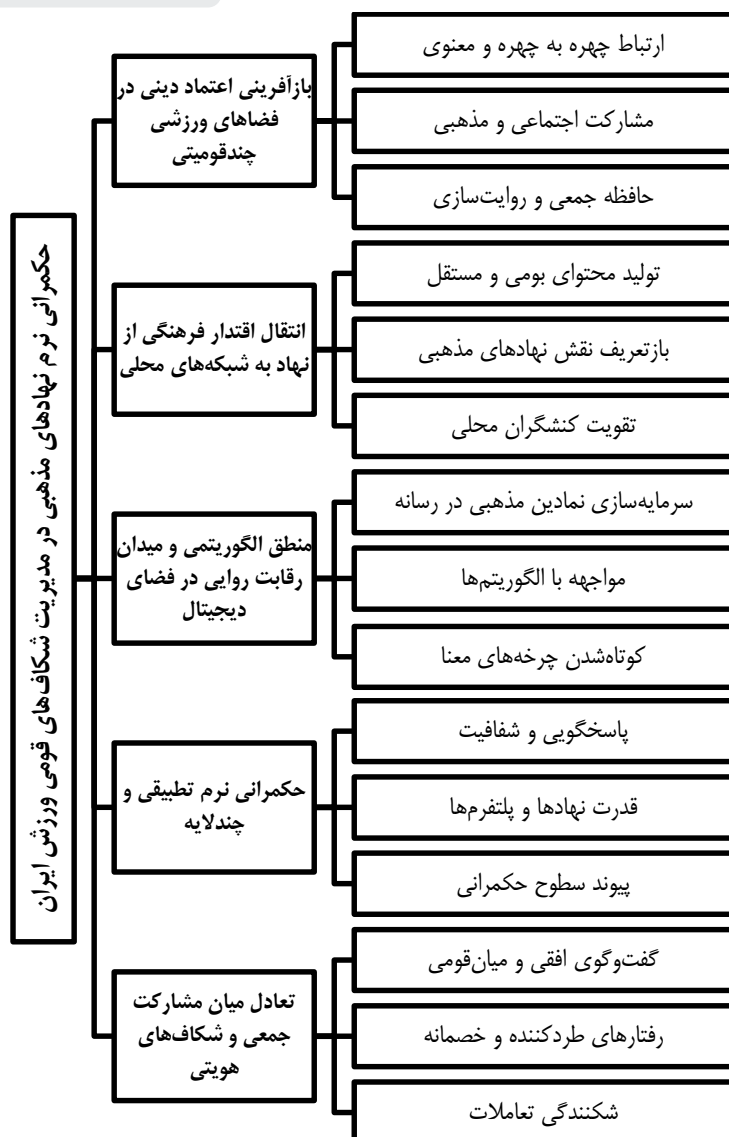
جدول ۶. مضامین سازمان‌دهنده و پایه مضمون فراگیر ۵

مضمون سازمان‌دهنده	مضمون پایه	کد مصاحبه‌شوندگان
گفت‌وگوی افقی و میان‌قومی	گفت‌وگوهای بدون واسطه در اماکن مذهبی-ورزشی	P1, P4, P11
	ایجاد شبکه‌های یادگیری جمعی حول ارزش‌های مشترک	P3, P5, P9, P12
	بهره‌گیری از ورزش به‌عنوان زبان مشترک	P2, P6, P8, P13
	ایجاد انجمن‌های چندقومیتی دینی	P3, P7, P10
رفتارهای پردکننده و خصمانه	کارزارهای مذهبی علیه گروه‌های رقیب	P5, P8, P10, P15



P2, P6, P9	فشار روانی و اجتماعی بر اقلیت‌ها	
P3, P7, P13, P16	قطبی‌سازی در روایت‌های دیجیتال	
P4, P6, P8, P14	طرد تدریجی مخالفان در شبکه‌های مذهبی	
P3, P6, P9, P13	فروپاشی سریع گفت‌وگوها در مواجهه با تنش	شکنندگی تعاملات
P4, P7, P12	شکل‌گیری حباب‌های بسته دینی - قومیتی	
P1, P5, P8, P10	ناپایداری گفتگوهای میان‌قومی پس از مناسبت‌ها	
P2, P6, P11, P14, P16	محدود بودن بسترهای تداوم تعامل بین‌گروهی	

در ادامه، در شکل ۱، مدل مفهومی پژوهش آورده شده است:



شکل ۱. شبکه مضامین حکمرانی نرم نهادهای مذهبی در مدیریت شکاف‌های قومی ورزش ایران

برای سنجش اهمیت تأثیرگذاری و میزان عدم قطعیت هر پیشران، دلفی دور اول با مقیاس لیکرت ۱۰ درجه‌ای (۱=خیلی کم تا ۱۰=خیلی زیاد) اجرا شد. معیار انتخاب پیشران‌های برگزیده برای تحلیل ساختاری، جمع (اهمیت+عدم قطعیت) ≤ 15 به عنوان آستانه ورود به میک مک:

جدول ۷. نتایج دلفی دور اول (اهمیت/عدم قطعیت) برای پیشران‌های مصوب

ردیف	پیشران‌ها (مضامین سازمان‌دهنده)	اهمیت	عدم قطعیت	جمع
۱	ارتباط چهره به چهره و معنوی	۸	۶	۱۴
۲	مشارکت اجتماعی و مذهبی	۸	۷	۱۵
۳	حافظه جمعی و روایت‌سازی	۷	۶	۱۳

۴	تولید محتوای بومی و مستقل	۹	۸	۱۷
۵	بازتعریف نقش نهادهای مذهبی	۸	۷	۱۵
۶	تقویت کنشگران محلی	۹	۷	۱۶
۷	سرمایه‌سازی نمادین مذهبی در رسانه	۹	۸	۱۷
۸	مواجهه با الگوریتم‌ها	۸	۸	۱۶
۹	کوتاه‌شدن چرخه‌های معنا	۸	۷	۱۵
۱۰	پاسخگویی و شفافیت	۸	۸	۱۶
۱۱	قدرت نهادها و پلتفرم‌ها	۹	۹	۱۸
۱۲	پیوند سطوح حکمرانی	۸	۷	۱۵
۱۳	گفت‌وگوی افقی و میان‌قومی	۸	۶	۱۴
۱۴	رفتارهای پردکننده و خصمانه	۸	۸	۱۶
۱۵	شکنندگی تعاملات	۸	۷	۱۵

طبق آستانه‌ی ۱۵، ده پیشران اصلی برای تحلیل ساختاری میک‌مک انتخاب شدند: تولید محتوای بومی، تقویت کنشگران محلی، سرمایه‌سازی نمادین مذهبی در رسانه، مواجهه با الگوریتم‌ها، پاسخگویی و شفافیت، قدرت نهادها و پلتفرم‌ها، مشارکت اجتماعی و مذهبی، بازتعریف نقش نهادها، کوتاه‌شدن چرخه‌های معنا و رفتارهای پردکننده و خصمانه.

تحلیل ساختاری میک‌مک:

برای سنجش اثرگذاری/اثرپذیری متقابل ده پیشران برگزیده، ماتریس اثرات متقاطع 10×10 با مقیاس ۰-۳ (۰=بی‌اثر، ۱=کم، ۲=متوسط، ۳=زیاد) تکمیل شد.

جدول ۸. داده‌های ماتریس اثرات متقاطع میک‌مک

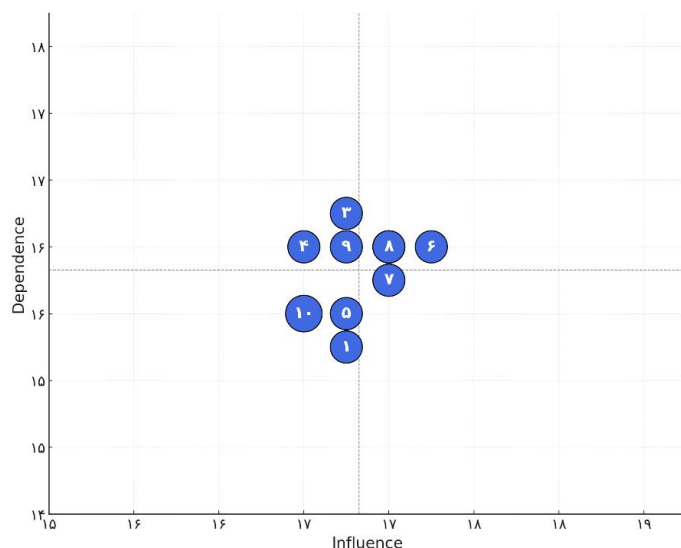
پیشران / اثرگذار ی	تولید محتوای بومی	تقویت کنشگران محلی	سرمایه‌ساز ی نمادین مذهبی در رسانه	مواجهه با الگوریتم‌ها ۱	پاسخگویی و شفافیت	قدرت نهادها و پلتفرم‌ها ۱	مشارکت اجتماعی و مذهبی	بازتعریف نقش نهادها	کوتاه‌شدن چرخه‌های معنا	رفتارهای پردکننده
۱	۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱



۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۰	۲	۲
۲	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۰	۲	۲	۳
۱	۲	۲	۱	۲	۲	۰	۲	۲	۲	۴
۲	۲	۲	۲	۲	۰	۲	۲	۲	۱	۵
۲	۲	۲	۲	۰	۲	۳	۲	۲	۲	۶
۲	۲	۲	۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۷
۲	۲	۰	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۸
۲	۰	۲	۲	۲	۱	۲	۳	۲	۱	۹
۰	۲	۲	۲	۲	۲	۱	۲	۲	۱	۱۰

تحلیل اولیه ماتریس:

- ابعاد ماتریس: 10×10
 - تعداد صفرها: ۱۰
 - تعداد ۱: ۱۳
 - تعداد ۲: ۵۹
 - تعداد ۳: ۱
 - جمع کل امتیازها: ۱۸۳
 - $\text{درجه پرشدگی} = 76\% / (\text{سیستمی با تعاملات متراکم و چندمسیره})$
- این سطح از پرشدگی نشان می‌دهد که شبکه تعاملات میان پشیران‌ها بسیار پیچیده و پویاست؛ برخی عوامل نقش دووجهی (هم اثرگذار و هم اثرپذیر) دارند، برخی نقش علی و برخی نقش وابسته/نتیجه‌ای.



شکل ۱. نقشه نفوذ / وابستگی

دسته‌بندی پیشران‌ها روی نقشه نفوذ/وابستگی

۱. پیشران‌های دووجهی (نفوذ بالا- وابستگی بالا)

این دسته نشان‌دهنده عواملی است که هم تأثیر زیادی بر سایر عوامل دارند و هم به‌شدت از دیگر عوامل تأثیر می‌پذیرند. این عوامل معمولاً نقاط حساس سیستم‌اند؛ تغییر در آن‌ها می‌تواند واکنش‌های زنجیره‌ای در کل ساختار ایجاد کند. در پژوهش حاضر، موارد زیر در این دسته قرار می‌گیرند:

- قدرت نهادها و پلتفرم‌ها
- سرمایه‌سازی نمادین مذهبی در رسانه
- پاسخگویی و شفافیت
- بازتعریف نقش نهادها
- تقویت کنشگران محلی

این عوامل درواقع گره‌های ساختاری سیستم حکمرانی نرم مذهبی در مدیریت شکاف‌های قومی هستند و نقش کلیدی در تعیین مسیرهای آینده دارند.

۲. پیشران‌های علی (نفوذ بالا- وابستگی پایین)

پیشران‌های علی منشأ اصلی تغییرات‌اند. این دسته شامل عواملی است که بیشتر نقش محرک دارند تا تابع. تغییر در این عوامل می‌تواند مسیر کل سیستم را دگرگون کند، درحالی‌که خودشان کمتر از تغییرات سایر عوامل متأثر می‌شوند. در این پژوهش، موارد زیر در این دسته قرار می‌گیرند:

- تولید محتوای بومی و مستقل



- مواجهه با الگوریتم‌ها

این عوامل بیشتر جنبه راهبردی و سیاست‌گذارانه دارند و به‌نوعی اهرم‌های هدایت سیستم محسوب می‌شوند.

۳. پیشران‌های وابسته (نفوذ پایین - وابستگی بالا)

این عوامل معمولاً پیامد تغییرات در سایر بخش‌های سیستم‌اند و نمی‌توانند به‌تنهایی جریان را تغییر دهند. تغییر در این دسته، بازتاب تغییر در بخش‌های دیگر است. در این پژوهش، موارد زیر در این دسته قرار می‌گیرند:

- کوتاه‌شدن چرخه‌های معنا
- رفتارهای طردکننده و خصمانه

این دو عامل بیشتر نقش نتیجه‌ای دارند و بیانگر پیامدهای اجتماعی - روایی سیاست‌ها و تحولات بالادستی‌اند.

۴. پیشران‌های میانی یا پیوندی (نفوذ و وابستگی متوسط)

این عوامل در مسیر انتقال اثر از پیشران‌های علی به وابسته قرار دارند و نقش واسطه‌ای یا تقویتی دارند. حضور یا ضعف این دسته می‌تواند شدت و جهت جریان اثرات را در شبکه تعیین کند. در این پژوهش، مورد زیر در این دسته قرار می‌گیرد:

- مشارکت اجتماعی و مذهبی

این عامل مانند حلقه اتصال بین کنشگران مذهبی، محلی و نهادی عمل می‌کند و می‌تواند مسیر تحولات را تسهیل یا مسدود کند.

برای هر یک از این پیشران‌های کلیدی، دو وضعیت محتمل با ماهیت خوش‌بینانه (سبز) و بدبینانه (قرمز) تعریف شد تا مبنای طراحی سناریوها قرار گیرد. این وضعیت‌ها با استفاده از مصاحبه‌های خبرگی و تحلیل محتوای کیفی، در قالب جدول زیر تنظیم شده‌اند.

جدول ۹. وضعیت‌های دوگانه پنج پیشران محوری

پیشران محوری	وضعیت خوش‌بینانه (سبز)	وضعیت بدبینانه (قرمز)
قدرت نهادها و پلتفرم‌ها	شکل‌گیری چارچوب تنظیم‌گری بومی و هماهنگی نهادی میان نهادهای مذهبی، ورزشی و رسانه‌ای	سلطه پلتفرم‌های خارجی، ناهماهنگی نهادی و حذف/برجسته‌سازی سلیقه‌ای روایت‌های دینی و قومی
سرمایه‌سازی نمادین مذهبی در رسانه	جهت‌دهی هوشمند اقتصاد توجه به پیام‌های همگرایانه، کاهش محتوای جنجالی و تقویت روایت‌های مشترک	تداوم پاداش‌دهی به محتوای هیجانی، دوقطبی‌سازی شدید و غلبه روایت‌های قطبی در فضای ورزشی - مذهبی

پاسخگویی و شفافیت	استقرار نهادهای داوری معتبر، شفافیت رویه‌ها و ارتقای پاسخگویی در فضای دیجیتال دینی - قومیتی	نبود سازوکار شفاف، هزینه‌ناپذیری تخلفات رسانه‌ای و تعمیق بی‌اعتمادی میان گروه‌های قومی - مذهبی
تولید محتوای بومی و مستقل	حرفه‌ای‌سازی و استانداردسازی روایت‌گری محلی و قومی - مذهبی، تقویت هم‌افزایی میان کنشگران بومی	تولید پراکنده، غیرحرفه‌ای و ناسازگار با اصول ارتباطی، ضعف در انتقال پیام‌های همگرایانه
مواجهه با الگوریتم‌ها	شفاف‌سازی منطق توزیع محتوا، استفاده از تاکتیک‌های بومی برای افزایش نفوذ و دیده‌شدن پیام‌های مذهبی	تعمیق تبعیض پلتفرمی، محدودسازی پیام‌های مذهبی قومی و ناتوانی کنشگران در تعامل با منطق پلتفرم‌ها

پس از تعیین وضعیت‌های دوگانه، فضای سناریویی بر اساس ترکیب حالت‌های ممکن پنج پیشران اصلی ساخته شد. ترکیب این وضعیت‌ها به کمک پنل خبرگان تحلیل و سازگاری درونی آن‌ها ارزیابی شد. در نهایت، چهار سناریوی کلیدی که از نظر سازگاری و باورپذیری در افق زمانی پژوهش برتر بودند، استخراج و نام‌گذاری شدند.

جدول ۱۰. سناریوهای استخراج‌شده بر اساس ترکیب وضعیت‌های پیشران‌ها

مطلوبیت	نام سناریو	سازگاری
مطلوب	هم‌افزایی هوشمند نهاد - جامعه (شفافیت الگوریتمی + پاسخگویی قوی + روایت‌گری حرفه‌ای)	۱۲
بحرانی	شکاف پلتفرمی و فروپاشی اعتماد (سلطه پلتفرم‌ها + دوقطبی شدید + ضعف پاسخگویی)	۰
نیمه‌مطلوب	تنظیم‌گری تدریجی و بومی‌سازی محتوا (پیشرفت تدریجی پاسخگویی و روایت‌گری محلی)	۸
پرریسک	دام توجه هیجانی (پاداش‌دهی شدید احساسی + ضعف نسبی در سازوکارهای اصلاحی)	۶

این چهار سناریو، تصویر روشنی از آینده‌های محتمل حکمرانی نرم مذهبی در مدیریت شکاف‌های قومی در ورزش ایران ترسیم می‌کنند:

- سناریوی نخست بیانگر وضعیت مطلوبی است که در آن شفافیت الگوریتمی، پاسخگویی نهادی و حرفه‌ای‌سازی روایت‌گری بومی منجر به همگرایی فرهنگی و کاهش تنش‌های قومی می‌شود.



- سناریوی دوم وضعیتی بحرانی را ترسیم می‌کند؛ سلطه پلتفرم‌های خارجی، غلبه روایت‌های دوقطبی و نبود پاسخگویی باعث تضعیف شدید سرمایه اجتماعی و افزایش شکاف‌های قومی در بستر ورزش می‌گردد.

- سناریوی سوم حالت میانی و تدریجی را نشان می‌دهد؛ پیشرفت تنظیم‌گری بومی و ارتقای نسبی کیفیت روایت‌گری زمینه‌ساز کاهش تنش‌هاست، هرچند روندی زمان‌بر دارد.

- سناریوی چهارم حالتی پرریسک را بازتاب می‌دهد؛ اقتصاد توجه هیجانی باوجود برخی اصلاحات نهادی همچنان عامل بی‌ثباتی ارتباطی و تعمیق قطبی‌سازی باقی می‌ماند.

این سناریوها به تصمیم‌سازان فرهنگی و ورزشی کمک می‌کنند تا در سیاست‌گذاری آینده، مسیرهای محتمل را بهتر بشناسند، نقاط اهرمی را شناسایی کنند و راهبردهای پیش‌دستانه برای کاهش شکاف‌های قومی طراحی نمایند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر باهدف بررسی و طراحی مدل آینده‌نگر حکمرانی نرم نهادهای مذهبی برای مدیریت شکاف‌های قومی در ورزش ایران انجام شد و درصدد ترسیم سناریوهای محتمل در افق زمانی پیش‌رو بود. اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می‌شود که ورزش به عنوان یک عرصه اجتماعی و فرهنگی، بازتاب‌دهنده تنش‌ها، تفاوت‌های قومی و هویت‌های فرهنگی است و فقدان راهبردهای نرم و آینده‌نگر می‌تواند به تشدید شکاف‌های قومی، کاهش اعتماد عمومی و ناکارآمدی سیاست‌های ورزشی و فرهنگی منجر شود. نهادهای مذهبی، با سرمایه اجتماعی و قدرت نفوذ فرهنگی بالای خود، ظرفیت قابل‌توجهی در ایجاد همگرایی و اجماع اجتماعی دارند و می‌توانند از طریق سیاستگذاری نرم، کاهش شکاف‌ها و تقویت انسجام اجتماعی را امکان‌پذیر کنند.

نتایج تحلیل ساختاری نشان داد که پنج پیشران اصلی در شکل‌دهی آینده حکمرانی نرم و مدیریت شکاف‌های قومی نقش محوری دارند. نخست، قدرت نهادها و پلتفرم‌ها است که توانمندی سازمان‌های مذهبی و شبکه‌های دیجیتال در هدایت افکار عمومی، ایجاد مشارکت و تعامل میان اقوام مختلف را مشخص می‌کند. این پیشران نشان‌دهنده اهمیت نقش نهادی در مدیریت اجتماعی است و بر این اصل تأکید دارد که قدرت و اثرگذاری نهادها صرفاً باوجود ساختارهای رسمی و سلسله‌مراتبی به دست نمی‌آید، بلکه به توانمندی آن‌ها در بهره‌گیری از شبکه‌های ارتباطی، ظرفیت‌های فناوری و مهارت‌های مدیریتی بستگی دارد. پژوهش‌های اخیر نشان داده‌اند که قدرت نهادی بدون استفاده مؤثر از ظرفیت‌های دیجیتال و شبکه‌ای، اثرگذاری محدودی در مدیریت شکاف‌های اجتماعی خواهد داشت و ممکن است تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی با ناکامی مواجه شود (نورد هولم و همکاران، ۲۰۲۴). این پیشران، چند جنبه تحلیلی مهم را روشن می‌کند. نخست، ظرفیت‌سازی نهادی به معنای ارتقای توانایی سازمان‌ها در برنامه‌ریزی، اجرای سیاست‌ها و پایش اثرگذاری آن‌ها است. نهادهای مذهبی برای ایفای نقش راهبردی در کاهش شکاف‌های قومی، باید علاوه برداشتن چارچوب‌های مدیریتی محکم، مهارت‌های لازم برای تعامل مؤثر با جامعه و پاسخگویی به نیازهای فرهنگی مختلف را نیز داشته باشند. دوم، توسعه مهارت‌های مدیریتی در این زمینه، شامل توانایی طراحی و هدایت

پروژه‌های فرهنگی و اجتماعی، مدیریت منابع انسانی و مالی و ایجاد هماهنگی میان گروه‌های مختلف است. نهادهایی که فاقد این مهارت‌ها باشند، علی‌رغم منابع و قدرت رسمی، در ایجاد همگرایی اجتماعی و کاهش تنش‌های قومی ناکام خواهند ماند و سوم، توانمندسازی شبکه‌های اجتماعی در فضای دیجیتال یکی از شاخص‌های حیاتی این پیشران است. با این حال امروزه شبکه‌های دیجیتال و پلتفرم‌های اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌دهی افکار عمومی و انتشار روایت‌های فرهنگی دارند (سواستینکسیه^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). لذا نهادهای مذهبی باید توانایی مدیریت جریان اطلاعات، تولید محتوای جذاب و تعامل هدفمند با مخاطبان مختلف را داشته باشند تا بتوانند اثرگذاری خود را افزایش دهند و روایت‌های بومی و همسو با ارزش‌های جامعه را تقویت کنند. تحلیل این پیشران نشان می‌دهد که قدرت نهادها با قدرت پلتفرم‌ها و مهارت‌های دیجیتال آن‌ها گره‌خورده است، بدون بهره‌گیری مؤثر از ابزارهای فناوری اطلاعات و شبکه‌های اجتماعی، سیاست‌های نرم نهادهای مذهبی محدود و ناکارآمد خواهند بود و ممکن است در برابر فشارهای فرهنگی خارجی یا شکاف‌های قومی آسیب‌پذیر شوند؛ بنابراین، این پیشران نه تنها بر اهمیت زیرساخت‌های فناوری، مهارت‌های مدیریتی و تعامل شبکه‌ای تأکید می‌کند، بلکه نشان می‌دهد که حکمرانی نرم موفق نیازمند تلفیق قدرت نهادی با توانایی‌های نوین ارتباطی و دیجیتال است تا بتواند به اهداف اجتماعی، فرهنگی و هویتی خود دست یابد، شایان ذکر است که نتایج به‌دست‌آمده با نتایج گلوبچیکو^۲ و همکاران (۲۰۲۲)، سوتریادی^۳ و همکاران (۲۰۲۳) و دوشی^۴ و همکاران (۲۰۲۴) همسو است.

دوم، سرمایه‌سازی نمادین مذهبی در رسانه است که بر بهره‌گیری از منابع معنوی و فرهنگی برای جلب توجه مخاطبان و تقویت مشارکت اجتماعی تأکید دارد. این پیشران نشان می‌دهد که توجه به محتوای فرهنگی و دینی می‌تواند به همگرایی قومی و کاهش اختلافات اجتماعی کمک کند. درواقع، رسانه به‌عنوان بستر انتقال معانی و نمادهای مذهبی، نقش مهمی در بازتولید هویت جمعی و شکل‌دهی به نگرش‌های اجتماعی ایفا می‌کند. استفاده از نمادهای مذهبی در رسانه نه تنها ابزاری برای تبلیغ یا آگاهی‌رسانی است، بلکه به‌منزله‌ی فرایند معنابخشی اجتماعی عمل می‌کند که طی آن ارزش‌ها و باورهای دینی در ذهن مخاطبان بازتولید می‌شود (آندوک^۵ و همکاران، ۲۰۲۴؛ مولر^۶ و همکاران، ۲۰۲۵). تحلیل این پیشران نشان می‌دهد که سرمایه‌سازی نمادین مذهبی در رسانه زمانی اثربخش است که از سطح بازنمایی صرف فراتر رفته و به گفتمان‌سازی فرهنگی و اجتماعی منجر شود. در این صورت، پیام‌های مذهبی می‌توانند در قالب روایت‌های وحدت‌بخش، مفاهیم مشترک و ارزش‌های اخلاقی، به تلطیف روابط قومی و ترویج حس تعلق اجتماعی کمک کنند. رسانه‌ها با بهره‌گیری هوشمندانه از زبان نمادین دین، قادرند سرمایه اجتماعی بین‌گروهی را

۱ Swastiningsih

۲ Golubchikov

۳ Sutriadi

۴ Doshi

۵ Andok

۶ Müller



افزایش داده و زمینه‌های گفت‌وگوی میان‌فرهنگی را فراهم سازند. از سوی دیگر، چنانچه سرمایه‌سازی نمادین مذهبی بدون حساسیت فرهنگی و با نگاه ابزاری صورت گیرد، می‌تواند اثر معکوس داشته و منجر به تشدید تنش‌های قومی یا سوءبرداشت‌های فرهنگی شود؛ بنابراین، ضرورت دارد سیاست‌گذاران رسانه‌ای در تدوین پیام‌های مذهبی، به تنوع فرهنگی و قومی مخاطبان توجه کنند و از رویکردی جامع و همدلانه در بازنمایی ارزش‌های دینی بهره ببرند.

سومین پیشران، پاسخگویی و شفافیت، نقش کلیدی در تقویت اعتماد عمومی و کاهش تضادهای اجتماعی ایفا می‌کند. این پیشران بیانگر این واقعیت است که سیاست‌ها و اقدامات نهادهای مذهبی تنها زمانی اثرگذار خواهند بود که جامعه از تصمیمات، فرآیندها و اهداف آن‌ها آگاه باشد و امکان ارزیابی عملکرد نهادها وجود داشته باشد. شفافیت به معنای ارائه اطلاعات دقیق، قابل‌اتکا و مستمر درباره تصمیمات، منابع تخصیص‌یافته، فرآیندهای برنامه‌ریزی و نتایج اقدامات است و امکان ایجاد مکانیزم‌های نظارتی و بازخوردی را فراهم می‌آورد (ساری^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). تحلیل این پیشران نشان می‌دهد که پاسخگویی و شفافیت دو مؤلفه مکمل حکمرانی نرم هستند؛ به عبارت دیگر، شفافیت بدون پاسخگویی عملیاتی و قابلیت اصلاح فرآیندها اثرگذار نخواهد بود و پاسخگویی بدون شفافیت نیز قابل ارزیابی نیست. این تعامل، کلید ایجاد اعتماد پایدار میان نهادهای مذهبی و جوامع قومی مختلف محسوب می‌شود. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که اعتماد عمومی یکی از عوامل تعیین‌کننده موفقیت سیاست‌های نرم است و در صورت کاهش اعتماد، احتمال سوءتفاهم، مقاومت اجتماعی و حتی شکاف‌های فرهنگی و قومی افزایش می‌یابد (ایوا، ۲۰۲۴). از نظر کاربردی، پاسخگویی و شفافیت می‌توانند از طریق گزارش‌دهی مستمر، انتشار داده‌های عملکردی، مشارکت دادن جامعه در فرآیندهای تصمیم‌گیری و استفاده از بازخورد مخاطبان تقویت شوند. همچنین، فناوری‌های دیجیتال و پلتفرم‌های ارتباطی می‌توانند این فرآیندها را تسهیل کنند؛ برای مثال، انتشار محتوای بومی و گزارش‌های شفاف در شبکه‌های اجتماعی، دسترسی سریع جامعه به اطلاعات و افزایش تعامل را ممکن می‌سازد. از نظر تحلیلی، این پیشران نشان‌دهنده اهمیت توازن میان قدرت نهادی و مشروعیت اجتماعی است. حتی قدرتمندترین نهادها و سازمان‌ها، بدون رعایت اصول شفافیت و پاسخگویی، در مدیریت شکاف‌های قومی با محدودیت مواجه خواهند شد (مکولی^۲ و همکاران، ۲۰۲۴)؛ بنابراین، شفافیت و پاسخگویی نه تنها ابزار اعتمادسازی هستند، بلکه سیاست‌های حکمرانی نرم را به سیاست‌های پایدار و قابل‌قبول اجتماعی تبدیل می‌کنند و زمینه کاهش تضادهای قومی، ارتقای انسجام اجتماعی و موفقیت راهبردهای آینده‌نگر در ورزش ایران را فراهم می‌آورند.

چهارمین پیشران، تولید محتوای بومی و مستقل، به‌عنوان یکی از ارکان حیاتی حکمرانی نرم، بر اهمیت ارائه روایت‌های فرهنگی و هویتی متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای اقوام مختلف تأکید دارد و نقش مهمی در افزایش توانمندی نهادها در مدیریت شکاف‌های قومی ایفا می‌کند (ایوا، ۲۰۲۴). این پیشران نشان‌دهنده آن است که اثرگذاری سیاست‌های نرم تنها با قدرت نهادی یا ابزارهای دیجیتال محقق نمی‌شود؛ بلکه کیفیت و بومی‌بودن محتوا، کلید ایجاد همگرایی، مشروعیت و پذیرش اجتماعی است.

^۱ Sari

^۲ Mekolle

تحلیل این پیشران چند بعد مهم را روشن می‌کند. نخست، حفظ هویت فرهنگی و هنجارهای محلی، تولید محتوای بومی باعث می‌شود ارزش‌ها، آداب و رسوم و الگوهای فرهنگی هر قوم یا گروه اجتماعی به‌درستی بازنمایی شود و از تحریف یا تضعیف آن‌ها جلوگیری شود (چوز^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). این امر به نهادهای مذهبی و فرهنگی امکان می‌دهد تا ضمن ارائه پیام‌های هماهنگ با اهداف حکمرانی نرم، از مقاومت فرهنگی یا سوءتفاهم جلوگیری کنند. دوم، تقویت مشروعیت و اعتماد اجتماعی، محتوای بومی و مستقل موجب می‌شود مخاطبان احساس کنند که پیام‌ها و سیاست‌های نهادها با نیازها و ارزش‌های آن‌ها همسو است، در نتیجه اعتماد عمومی به نهادها افزایش می‌یابد و زمینه کاهش شکاف‌های اجتماعی فراهم می‌شود. پژوهش‌ها نشان داده‌اند که محتوای غیر بومی یا تقلیدی، حتی اگر ازلحاظ تکنیکی حرفه‌ای باشد، اثرگذاری محدود دارد و گاه موجب مقاومت یا بی‌اعتمادی مخاطبان می‌شود (دزریکس^۲ و همکاران، ۲۰۲۵). سوم، انعطاف‌پذیری و سازگاری با پلتفرم‌های دیجیتال، تولید محتوای بومی و مستقل باید با قابلیت انتشار در فضای دیجیتال و پلتفرم‌های اجتماعی همخوان باشد. استفاده از ابزارهای نوین دیجیتال برای انتشار محتوای بومی، نه تنها امکان دسترسی گسترده به مخاطبان مختلف را فراهم می‌آورد، بلکه به نهادها اجازه می‌دهد روایت‌های متنوع و چندوجهی را بر اساس نیازهای فرهنگی و اجتماعی هر گروه ارائه کنند و چهارمین بعد تحلیل، ایجاد همگرایی میان گروه‌های قومی است. محتوای بومی که مستقل و دقیق باشد، می‌تواند به عنوان یک پل ارتباطی عمل کند و نقاط مشترک فرهنگی و هویتی میان گروه‌های مختلف را برجسته سازد. این کار نه تنها شکاف‌های قومی را کاهش می‌دهد، بلکه زمینه همکاری و مشارکت اجتماعی را تقویت می‌کند و سیاست‌های حکمرانی نرم را اثرگذارتر می‌سازد. به‌طور کلی، تولید محتوای بومی و مستقل، پیشرانی استراتژیک است که هم با قدرت نهادی، هم با فناوری دیجیتال و هم با اعتماد عمومی در ارتباط مستقیم است. بدون توجه به این پیشران، حتی نهادهای توانمند و دیجیتالی نیز ممکن است در مدیریت شکاف‌های قومی ناکارآمد باشند. این پیشران نشان می‌دهد که حکمرانی نرم موفق در ورزش ایران، نیازمند تلفیق قدرت نهادی، مهارت‌های دیجیتال و تولید محتوای دقیق، بومی و متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای هر گروه است.

نهایتاً مواجهه با الگوریتم‌ها، یکی از ارکان حیاتی حکمرانی نرم است که نشان‌دهنده نقش تعیین‌کننده فناوری و شبکه‌های دیجیتال در دسترسی، انتشار و دیده شدن اطلاعات است. در عصر دیجیتال، الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی و موتورهای جستجو نه تنها تعیین می‌کنند چه محتوایی به دست مخاطب برسد، بلکه می‌توانند بر شکل‌گیری افکار عمومی، جهت‌گیری فرهنگی و حتی هویت اجتماعی تأثیر مستقیم بگذارند (مانارا^۳ و همکاران، ۲۰۲۳). از این منظر، نهادهای مذهبی برای ایفای نقش راهبردی خود در مدیریت شکاف‌های قومی و فرهنگی، نیازمند توانایی مدیریت هوشمندانه این الگوریتم‌ها هستند تا پیام‌های فرهنگی و دینی خود را به شیوه‌ای هدفمند و مؤثر منتقل کنند و از انتشار اطلاعات گمراه‌کننده، شایعات یا روایت‌های مخرب جلوگیری نمایند.

^۱ Ghose

^۲ Dzreke

^۳ Manara



درعین حال این پیشران چند بعد مهم را روشن می کند. نخست، هدایت جریان اطلاعات و روایت گری هدفمند است؛ نهادهای مذهبی با درک عملکرد الگوریتم ها می توانند محتوای خود را به گونه ای طراحی و منتشر کنند که به گروه های هدف برسد و پیام های فرهنگی و هویتی به صورت گسترده و همسو با اهداف حکمرانی نرم انتشار یابد. این اقدام باعث کاهش تشدید شکاف های قومی و تقویت انسجام اجتماعی می شود. دوم، کنترل و پیشگیری از اطلاعات گمراه کننده اهمیت دارد؛ الگوریتم ها گاه موجب انتشار سریع محتوای نادرست یا تحریف شده می شوند و توانمندی نهادها در پایش جریان اطلاعات، شناسایی محتوای نادرست و پاسخ سریع به شایعات، موجب افزایش اعتماد عمومی و جلوگیری از تشدید تنش های فرهنگی و قومی می شود. سوم، هماهنگی با تولید محتوای بومی و مستقل است. موفقیت در مدیریت الگوریتم ها مستلزم طراحی محتوای جذاب، معتبر و مطابق با هنجارهای فرهنگی و اقوام مختلف است تا الگوریتم ها آن را اولویت بندی کنند و اثرگذاری پیام ها افزایش یابد. این رویکرد پیوند میان فناوری، قدرت نهادی و روایت گری فرهنگی را مستحکم می سازد و موجب می شود حکمرانی نرم در سطح جامعه مؤثرتر و پذیرفته تر باشد (سالیو^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). چهارمین بعد، تدوین استراتژی بلندمدت دیجیتال و حکمرانی هوشمند است. مواجهه با الگوریتم ها تنها به انتشار محتوا محدود نمی شود؛ بلکه نیازمند تدوین برنامه های بلندمدت شامل تحلیل داده ها، سنجش اثربخشی محتوا، بهبود تعاملات آنلاین و ارتقای مهارت های دیجیتال کارکنان نهادهای مذهبی است. چنین رویکردی تضمین می کند که حکمرانی نرم به شکل هوشمند، قابل پیش بینی و پایدار انجام شود. به طور کلی، مواجهه با الگوریتم ها نشان می دهد که حکمرانی نرم در عصر دیجیتال بدون درک و بهره گیری هوشمندانه از فناوری های شبکه ای، محدود و آسیب پذیر خواهد بود. موفقیت نهادهای مذهبی در کاهش شکاف های قومی و تقویت همگرایی اجتماعی مستلزم تلفیق قدرت نهادی، تولید محتوای بومی و مدیریت هوشمند الگوریتم های دیجیتال است تا پیام ها به صورت مؤثر، هدفمند و با حداقل تحریف به مخاطبان برسند و اثرگذاری سیاست های نرم تقویت شود.

با تعریف وضعیت های دوگانه این پیشران ها و ارزیابی سازگاری آن ها در پنل خبرگان، چهار سناریوی اصلی برای آینده مدیریت شکاف های قومی در ورزش ایران استخراج شد. سناریوی نخست، هم افزایی هوشمند نهاد-جامعه (مطلوب)، شرایطی را توصیف می کند که تعامل مؤثر میان نهادهای مذهبی، جامعه و پلتفرم های دیجیتال موجب کاهش شکاف های قومی، افزایش اعتماد عمومی و ارتقای همبستگی اجتماعی می شود. در این سناریو، سیاست ها منعطف، بومی و فناورانه طراحی شده و تصمیم گیری راهبردی به شکل یکپارچه و هوشمند انجام می شود. سناریوی دوم، شکاف پلتفرمی و فروپاشی اعتماد (بحرانی)، شرایطی است که عدم هماهنگی میان نهادها و جریان های دیجیتال، همراه با فقدان شفافیت و پاسخگویی، منجر به افزایش نابرابری ها، کاهش مشروعیت نهادهای مذهبی و فروپاشی اعتماد عمومی می شود. این سناریو بر ضرورت مدیریت ریسک، پیش بینی تهدیدها و طراحی سیاست های پیشگیرانه تأکید دارد. سناریوی سوم، تنظیم گری تدریجی و بومی سازی محتوا (نیمه مطلوب)، نشان می دهد که سیاست ها به صورت تدریجی و با تمرکز بر تولید محتوای محلی اجرا می شوند و با وجود اثرات مثبت، قادر به کاهش کامل

^۱ Saliu

شکاف‌های قومی نیستند؛ پیشرفت‌ها کند اما پایدار هستند. سناریوی چهارم، دام توجه هیجانی (پرریسک)، شرایطی را نشان می‌دهد که تمرکز بیش‌ازحد بر جلب توجه کوتاه‌مدت و واکنش‌های هیجانی مخاطبان، موجب انحراف از اهداف راهبردی، افزایش نوسان سیاست‌ها و بروز ریسک‌های اجتماعی می‌شود. این سناریو اهمیت تعادل میان واکنش‌های فوری و برنامه‌ریزی استراتژیک را برجسته می‌سازد. تحلیل یافته‌ها نشان می‌دهد که آینده مدیریت شکاف‌های قومی در ورزش ایران به‌طور مستقیم تحت تأثیر تعامل میان حکمرانی مذهبی، منطق پلتفرمی و الگوهای روایت‌گری بومی است. موفقیت سیاست‌های نرم بدون توجه به این تعاملات، محدود خواهد بود. علاوه بر این، طراحی راهبردهای مؤثر مستلزم توجه همزمان به سه بعد کلیدی است: ابعاد ساختاری شامل توانمندی نهادها و شبکه‌ها در ایجاد تعامل و نظارت؛ ابعاد فرهنگی و ارزشی شامل بهره‌گیری از سرمایه‌های معنوی و هویتی و تقویت انسجام اجتماعی؛ و ابعاد فناورانه که مدیریت جریان اطلاعات دیجیتال و الگوریتم‌های رسانه‌ای را شامل می‌شود. ترکیب هوشمندانه این سه بعد، کلید موفقیت حکمرانی نرم و کاهش شکاف‌های قومی است.

به‌طور کل، این پژوهش نشان می‌دهد که مدل آینده‌نگر حکمرانی نرم نهادهای مذهبی می‌تواند ابزاری راهبردی برای تصمیم‌گیری، مدیریت ریسک‌های اجتماعی و ایجاد همگرایی اجتماعی در ورزش ایران باشد. بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادی و فرهنگی نهادهای مذهبی، همراه با تولید محتوای بومی و مدیریت هوشمند جریان‌های دیجیتال، زمینه کاهش شکاف‌های قومی و ارتقای مشارکت فعال جامعه را فراهم می‌آورد و در نهایت، توسعه پایدار ورزش و تحقق عدالت اجتماعی را ممکن می‌سازد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده، پیشنهاد می‌شود تا نهادهای مذهبی برای ارتقای حکمرانی نرم در مدیریت شکاف‌های قومی ورزش ایران، به‌طور همزمان بر چند محور کلیدی تمرکز کنند. نخست، توانمندسازی مدیران و کارشناسان نهادها از طریق آموزش مهارت‌های مدیریتی، فرهنگی و دیجیتال به‌منظور افزایش قابلیت برنامه‌ریزی، هدایت و ارزیابی سیاست‌ها و پروژه‌های اجتماعی ضروری است. دوم، ایجاد ساختارهای مشارکتی و بازخوردی که امکان حضور فعال اقوام و گروه‌های مختلف جامعه در فرآیند تصمیم‌گیری، پایش اقدامات و ارائه بازخورد را فراهم کند، موجب افزایش شفافیت و پاسخگویی نهادها خواهد شد. سوم، تولید و انتشار محتوای بومی و مستقل متناسب با ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی اقوام مختلف و انتشار هدفمند آن در شبکه‌های دیجیتال و پلتفرم‌های اجتماعی، نقش مؤثری در تقویت همگرایی اجتماعی و کاهش شکاف‌های قومی دارد. چهارم، مدیریت هوشمند جریان‌های دیجیتال و الگوریتم‌ها از طریق تحلیل داده و استفاده از فناوری‌های نوین، امکان هدایت جریان اطلاعات و مقابله با محتوای گمراه‌کننده را فراهم می‌آورد و اثرگذاری سیاست‌های نرم را افزایش می‌دهد. نهایتاً، طراحی سناریوهای آینده و برنامه‌ریزی راهبردی مبتنی بر ارزیابی ریسک‌ها و فرصت‌ها، همراه با تقویت همکاری میان نهادها و جامعه، می‌تواند زمینه تحقق حکمرانی نرم مؤثر، افزایش اعتماد و مشارکت جامعه، کاهش شکاف‌های قومی و توسعه پایدار ورزش را فراهم آورد و نهادهای مذهبی را قادر سازد نقش راهبردی خود را در شکل‌دهی به همگرایی اجتماعی و هویت فرهنگی ورزش ایران ایفا کنند.



یافته‌های این مطالعه علاوه بر کاربرد عملی در سیاستگذاری، به توسعه نظری حکمرانی نرم و آینده‌نگری در مدیریت اجتماعی نیز کمک می‌کنند و نشان می‌دهند که تصمیم‌گیری راهبردی در حوزه ورزش، تنها با توجه همزمان به پیشران‌های ساختاری، فرهنگی و فناورانه، امکان‌پذیر است و می‌تواند سناریوهای مختلف توسعه و ریسک را به‌طور همزمان مدیریت کند.

فهرست منابع

- پورافکاری، ن. ا. (۱۳۸۳). «نزاع‌های جمعی محلی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی طرح مسائل جامعه‌شناسی ایران، تهران: انتشارات علامه طباطبائی، ۵۳-۶۸۰.
- جمالی، سینا. (۱۴۰۲). نقش مردم‌سالاری در پیشگیری از جرم با نگاهی به نقش نهادهای مذهبی. *مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی*. ۵۷(۷)، ۸۵۸-۸۴۵.
- حاجی تبار، حسن. (۱۳۹۸). نقش نهادهای مذهبی در پیشگیری از جرم: چالش‌ها و راهکارهای مقابله با آن. *مجله پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی*. ۱۵(۵۶)، ۶۸-۴۷.
- گلشن، صیاد، سیف‌اللهی، سیف‌اله، محسنی تبریزی، علیرضا. (۱۳۹۷). بررسی گونه‌های تعامل اجتماعی میان گروه‌های قومی در ایران: مورد مطالعه گروه‌های قومی استان آذربایجان غربی. *مطالعات جامعه‌شناسی*. ۱۱(۴۰)، ۴۷-۲۹.
- گل محمدی، ا. (۱۳۹۲). جهانی‌شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی.
- گوهررستمی، حمیدرضا و پورعبدی، جاوید و سعادت میرقدیم، سیدکریم. (۱۴۰۱). جایگاه دین در عملکرد ورزشی، دومین همایش ملی و اولین همایش بین‌المللی نیمه مجازی اوقات فراغت، مشهد.
- مرعشیان، سید حسین، خطیبی، امین، ویسیا، اسماعیل. (۱۳۹۸). نقش ورزش در جلوگیری از واگرایی دینی، مذهبی و فرقه‌ای در استان خوزستان. *مدیریت و توسعه ورزش*. ۸(۲)، ۲۰-۱۰.
- میریوسفی، سیدجلیل، سلاجقه، مریم. (۱۳۹۷). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل هویت دینی - ملی مؤثر در توسعه فرهنگی ورزش قهرمانی از دیدگاه ورزشکاران. *مطالعات مدیریت ورزشی*. ۱۰(۵۱)، ۱۴۰-۱۲۱.

Al Breiki, A. (2025). The impact of public diplomacy on soft power strategy: moderating role of media and communication. A doctoral thesis submitted in fulfillment of the requirements for the degree of PhD Doctoral program: Social and Legal Sciences Programa de Doctorado: Ciencias Sociales y Jurídicas University of Cordoba.

Alrashid, S. A. A. (2020). Conflict Management in Ethnic Tension Zones: Sport Contribution in Co-existence and Inclusion Citizenship Diversity: A Case Study in Aleksandria, Iraq. *American Journal of Sports Science*, 8(4), 99-104.

Andok, M. (2024). The impact of online media on religious authority. *Religions*, 15(9), 1103.

Brown, L., & Patel, M. (2022). Educational Programs and Sports: A Pathway for Ethnic Reconciliation. *International Journal of Sport and Social Sciences*, 19(3), 75-89.

Cardona, I., Izquier, M., Lucena, N., Labropoulos, L., & La Roche, M. (2024). Peace Promotion through Restorative Community Design: Five Case Studies in Latin America. In *From Conflict to Cooperation-Strategic Approaches to Instrumental zing Global Peace*. IntechOpen.

Doshi, A. R., & Schmidt, W. (2024). Soft governance across digital platforms using transparency. *Strategy Science*, 9(2), 185-204.



- Dzreke, S. S., & Dzreke, S. E. (2025). The algorithmic hand: Investigating the impact of artificial intelligence on service delivery, customer interactions, and efficiency. *International Journal of Latest Technology in Engineering Management & Applied Science*, 14(6), 840-857.
- Eeva, K. (2024). Governing through consensus? The European Semester, soft power and education governance in the EU. *European Educational Research Journal*, 23(2), 178-197.
- Fairey, T. (2024). Peace is possible: The role of strategic narratives in peacebuilding. *Media, War & Conflict*, 17(1), 3-22.
- Frisch, T. (2024). A slow and deceitful path to decarbonization? Critically assessing corporate climate disclosure as central tool of soft climate governance. *Energy Research & Social Science*, 117, 103704.
- Ghose, A., & Ali, S. M. (2023). Protection and Preservation of Traditional Cultural Expression & Traditional Knowledge in Handicraft Industry: Advocating the Need for a Global Cultural Policy Framework. *Braz. J. Int'l L.*, 20, 473.
- Giulianotti, R. (2011). Sport, Peacemaking and Conflict Resolution: A Contextual Analysis and Modelling of the Sport, Development and Peace Sector. *Ethnic and Racial Studies*, 34(2), 207-228.
- Golubchikov, O., & Thornbush, M. J. (2022). Smart cities as hybrid spaces of governance: Beyond the hard/soft dichotomy in cyber-urbanization. *Sustainability*, 14(16), 10080.
- Ibrahim, M. A., Hidayat, E. R., Alexandra, H. F., Widodo, P., & Saragih, H. J. (2023). Horizontal Conflict Resolution Related to Belief in Religious Tolerance in Multi-Cultural Society in Indonesia. *International Journal of Humanities Education and Social Sciences*, 2(6).
- Jarvie, G. (2024). Sport, soft power and cultural relations. *Journal of Global Sport Management*, 9(4), 670-687.
- Jones, T., & Smith, A. (2021). The Role of Religious Institutions in Mitigating Ethnic Tensions through Sports in Conflict Zones. *Journal of Peace and Conflict Studies*, 34(2), 105-123.
- Khan, S., & Ali, J. (2023). Religious Institutions and Sport as Tools for Ethnic Integration: A Case Study from South Asia. *Asian Journal of Conflict Resolution*, 15(2), 112-130.
- Malakhov, V., & Osipov, A. (2024). Managing Ethnic Diversity in Post-Soviet Context: The Cases of Russia, Ukraine, and Kazakhstan. *Problems of Post-Communism*, 71(5), 405-415.
- Manara, R., & Weber, M. (2023). Cultural Identity in the Digital Age: Navigating Globalization in Local Communities. *Journal of Humanities and Social Sciences (JHASS)*, 5(3), 114-120.
- Mekolle, P. M. (2024). Towards good governance in the management of educational institutions in Cameroon: Importance, challenges and opportunities. *American Journal of Leadership and Governance*, 9(4), 23-47.
- Müller, J., & Friemel, T. N. (2024). Dynamics of digital media use in religious communities—A theoretical model. *Religions*, 15(7), 762.
- Nordholm, D., & Adolfsson, C. H. (2024). Big ideas, soft governance: Managing large-scale school improvement at the national agency level in Sweden. *International Journal of Educational Management*, 38(1), 302-316.
- Novian, G., Komarudin, K., Rismayadi, A., Nursaba, S., & Zahra, S. K. (2025). Humanism and Nationalism in the Sports Arena: Uniting Differences, Building Peace. *Indonesian Journal of Sport Science and Coaching*, 7(2), 107-117.
- Pirina, M. G., Solinas, R., & Farooq, M. (2025). Sports-based educational initiatives for social inclusion: a systematic review and comparative analysis of interventions for marginalized communities. *Edulearn25 Proceedings*, 10405-10409.
- Rodríguez, S., León-Prieto, C., Rodríguez-Jaime, M. F., & Lugo, L. S. (2025). Playing for peace: scoping review of sports programs as agents of peace. *German Journal of Exercise and Sport Research*, 55(1), 60-76.
- Rookwood, J. (2023). From sport-for-development to sports mega-events: conflict, authoritarian modernisation and statecraft in Azerbaijan. In *The Sport Mega-Events of the 2020s* (pp. 143-162). Routledge.
- Rusyana, A. Y., Budiman, B., Abdillah, W. S., & Witro, D. (2023). Concepts and Strategies for Internalizing Religious Moderation Values among the Millennial Generation in Indonesia. *Religious Inquiries*, 12(2), 157-176.



Saaida, M. B. (2023). The role of soft power in contemporary diplomacy. *Journal homepage: www. ijrpr. Com ISSN, 2582, 7421.*

Saliu, H. (2023). Narratives of Public Diplomacy in the post-Truth Era: The decline of Soft Power. *Communication & Society, 36(2), 209-224.*

Sapkota, J. B., & Neupane, P. (2021). Sport for development and peace (SDP) organizations and the sustainable development goals (SDGs) of Nepal. *Global Social Welfare, 8(1), 47-58.*

Sari, R., & Muslim, M. (2024). Corporate transparency and environmental reporting: Trends and benefits. *Amkop Management Accounting Review (AMAR), 4(1), 1-18.*

Sijamhodžić-Nadarević, D. (2023). Contribution of Islamic Religious Education to Intercultural Values in Pluralistic European Cultures: Insights from Bosnia and Herzegovina. *Religions, 14(4), 453.*